

بازتاب مفاهیم و تعابیر قرآن در آثار امین‌الریحانی

حامد صدقی*

معصومه نعمتی قزوینی**

چکیده

سرچشمه‌های جوشان و زلال کلام وحی دیرزمانی است که با طلوع فجر اسلام بر پیکره عطشناک اندیشه بشری جاری شده است. مصحف جاودانی، که با گذر قرون متمادی نه تنها هرگز گرد نقصان و زوال بر آیات الهام‌بخش و روشنگرش ننشسته بلکه همچنان به‌عنوان برترین و کامل‌ترین کتاب هدایتگر بشر، گوی سبقت را از هر آنچه در این ره بدان مفتخرند، ربوده است.

در این میان، آنان که اهل معرفت‌اند و جویای حقیقت، جذبۀ کلام الهی بر دل و جانشان چنان می‌کند که فارغ از هر تعصبی، پروانه‌وار برگرد شعله‌های فروزان‌ش پرمی‌گشایند و تاسرحدامکان از فیض بی‌منت‌هایش برمی‌گیرند.

امین‌الریحانی - اندیشمند و ادیب معاصر لبنانی - از جمله مصلحان روشنفکر و آزاداندیشی است که با تفکری به‌وسعت اندیشه بشری، هرگز در تنگنای حصارهای دینی و نژادی محصور نشده بلکه علی‌رغم پایبندی به دیانت مسیح و ضمن آشنایی با ادیان گوناگون و نیز با تأکید بر اصل وحدت ادیان، گام بلندی در جهت اصلاح اندیشه بشری برداشته و در این میان تا حد قابل ملاحظه‌ای از تعالیم اسلامی و به‌ویژه مفاهیم عالی و تعابیر زیبای قرآن کریم مدد جسته است.

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت معلم sedghi@tmu.ac.ir

** دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تربیت مدرس m.n.136089@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۵، تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۱۰

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ادبیات معاصر عربی، امین‌الریحانی

۱. مقدمه

با مروری بر تاریخچه ادیان گوناگون و با بررسی و تحلیل شیوه‌های مختلف بعثت پیامبران الهی و نیز شیوه‌های متفاوت ارائه معجزات، می‌توان به تفاوت آشکار نحوه ظهور اسلام در مقایسه با سایر ادیان الهی پی برد.

تا قبل از نزول قرآن و مبعوث شدن پیامبر اسلام (ص)، خداوند متعال برای اثبات حقانیت دعوت انبیای الهی، همواره آنان را به انجام پدیده‌هایی خارق‌العاده قادر می‌ساخت که مردم عادی از انجام آن احساس عجز و ناتوانی می‌کردند؛ و همین مسئله، زمینه را برای اقناع اذهان آنان فراهم و دل‌هایشان را به پذیرش هدایت الهی متمایل می‌کرد. برخلاف آنچه مشیت الهی در طول تاریخ رسالت پیامبران بدان تعلق گرفته بود، در آخرین مرحله از ارسال پیامبران، این بار بعثت پیامبر خاتم (ص) از همان ابتدا به واسطه نزول معجزه، آن‌هم به شکلی متفاوت، صورت می‌گرفت.

این بار خداوند پیامبر برگزیده‌اش را با کلامی خطاب می‌کند که سرآغاز کامل‌ترین هدایت بشری بوده و دعوت به **خواندن**، اولین گام در آغاز این راه خطیر است. چنین سرآغازی خود بهترین گواه بر تأکید و محوریت همه‌جانبه تعالیم اسلامی بر علم و آگاهی و نیز بر شیوه خاص قرآن در دعوت به تفکر و تدبر در جنبه‌های گوناگون حیات در سراسر کائنات است.

جنبه‌های گوناگون اعجاز کلام وحی چه از جهت مفاهیم عالی آن و چه از جهت اسلوب‌ها و تعابیر بیانی، از همان ابتدا اعراب را مسحور و مقهور کرد، تاجایی که همین مسئله سبب شد تا پیامبر اسلام (ص) تمامی سخنوران عرب را برای آوردن حتی یک آیه مشابه با آیات قرآن به تحدی فرا خواند. با وجود چنین ادعایی، دیری نپایید که اعراب مدعی فصاحت و بلاغت آن‌چنان مجذوب آیات الهام‌بخش و زیبای آن شدند که حتی یارای مقاومت رادر خود نیافتند و گاهی یکدیگر را به گوش فراندادن به آن توصیه می‌کردند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت / ۲۶).

مصحف کلام الهی نه فقط در ابتدای ظهور اسلام که تا به امروز نیز همچنان هدایتگر نسل‌های بشری و مورد اقتدای صاحبان اندیشه و قلم از تمامی ادیان و مذاهب است؛ تاجایی که برخی به صراحت زبان به تحسین آن گشوده‌اند و بعضی دیگر نیز باشیوه‌هایی غیرمستقیم از مضامین متعالی و انسان‌ساز و یا اسلوب‌های بیانی آن متأثر شده‌اند.

۲. گذری بر زندگی و آثار ریحانی

امین فرزندفارس‌الریحانی در نوامبر ۱۸۷۶ میلادی، در «فریکه» - یکی از روستاهای لبنان - پا به عرصه هستی نهاد. در همانجا به همراه خواهرش در کلیسایی به نام «مارمارون» مشغول علم‌آموزی شد. در دوازده‌سالگی به همراه عمویش «عبده» و آموزگارش «نعوم مکرزل» (۱۸۶۳-۱۹۳۲م) به امریکا سفر کرد. بعد از یک سال، به همراه عمویش به تجارت مشغول شد و در هفده‌سالگی تجارت را رها کرد و به بازیگری روی آورد و به همراه یک گروه نمایشی به اکثر مناطق امریکا سفر کرد. بعد از گذشت سه ماه و عدم موفقیت گروه نمایشی، مجدداً به تجارت روی آورد.

وی در عین پرداختن به کارهای تجاری، هرگز از مطالعه و تحقیق فروگذار نکرد، بلکه به مطالعه کتاب‌های انگلیسی و فرانسوی بسیاری همت گماشت؛ و تقریباً در همین دوره بود که نگارش و تحریر آرا و افکار خود را به زبان عربی - اما تقریباً غیرفصیح - آغاز کرد. او نوشته‌های خود را در این زمینه به آموزگارش نعوم مکرزل می‌سپرد تا بعد از تصحیح و اصلاح، در نشریه *الهدی* به چاپ برساند.

ریحانی بعد از مدتی دچار ضعف و کسالت جسمانی شد و به دنبال آن مجبور شد به لبنان بازگردد. در همانجا به تدریس زبان انگلیسی و تقویت زبان مادری مشغول شد؛ و ضمن تدریس و مطالعه، یکی از آثار ارزشمند خود را خلق کرد و علاوه بر بحث و مطالعه در زمینه اشعار و شخصیت ابوالعلاء معری، به ترجمه *لزومیات* وی به زبان انگلیسی اقدام کرد. بعد از ترجمه *لزومیات* معری، کم‌کم تفکرات جدیدی در ذهن وی نشأت گرفت و باعث شد تصمیم بگیرد با سفر به کشورهای عربی، با این سرزمین‌ها و ملت‌های آن آشنا شود و حاصل یافته‌های خود را در مجموعه کتاب‌هایی به همه مردم عرب‌زبان عرضه کند.

حاصل سفرهای متعدد ریحانی، کتاب‌هایی بود که برخی از آنها به زبان عربی است که عبارتند از: *ملوکُ العرب* (در دو مجلد)، *تاریخ نجد الحدیث*، *قلبُ العراق*، *قلبُ لبنان*، *المغرب الأقصى*؛ و بعضی به زبان انگلیسی است که عبارتند از: *ابن سعود و نجد*، *حول الشواطئ العربیه*، *بلاد الیمین*. ریحانی با چنین تألیفات گسترده و ارزشمندی، یکی از ارزشمندترین و بزرگ‌ترین مجموعه‌های مربوط به شناخت کشورهای عربی را از خود به یادگار نهاد.

غیر از نوشته‌های ریحانی، در زمینه معرفی کشورهای عربی، آثار ادبی بسیاری از وی به جای مانده که برخی از آنها چندین بار منتشر و بعضی به پانزده زبان زنده دنیا ترجمه شده است. از جمله آثار ادبی وی به زبان عربی می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: *المُحالفَةُ الثلاثیه*، *المکّاری والکاهین*، *ثلاث حُطَب*، *أنتم الشعراء*، *وفاء الزمان*، *سجل التوبه*، *رسائل*، *وجوه شرقیه غریبه* و از جمله تألیفات ادبی او به زبان انگلیسی می‌توان از این کتاب‌ها نام برد: *رباعیات ابوالعلاء المعری*، کتاب *خالد، لزومیات ابوالعلاء، جاذبة الرؤیا، دروس فی ألف لیله و لیله*.

ریحانی از جمله متفکرانی است که از عنفوان جوانی دغدغه‌های بزرگ بشری، همواره ذهن وی را به خود مشغول داشت و همین امر وی را ترغیب کرد تا از قلم خود به عنوان سلاحی در جهت مبارزه با ظلم جائران و جهل دین‌نمایان بهره ببرد و قبل از ادیب یا شاعر بودن، همواره خود را یک مصلح متعهد معرفی کند. (۴ متیف موسی و عدنان حسن، ۱۹۸۲: ۶۳-۵۷)

تفکر انسانی و روح نامحدود ریحانی، از وی آزاداندیشی ساخت که هرگز حدود و ثغور ساخته دست و ذهن بشری نتوانست آن را به‌انزوا کشاند. او در زمینه دینی، افکار بلندی داشت که به هیچ‌وجه حد و مرز نمی‌شناخت و اگرچه در ظاهر مسیحی بود، به وحدت ادیان اعتقاد داشت؛ و شاید اظهار و ترویج چنین تفکراتی بوده است که باعث شد در نهایت وی را به تساهل در امر دین متهم کنند.

ریحانی علاوه بر اعتقاد به آزاداندیشی دینی، به آزاداندیشی سیاسی نیز دعوت می‌کرده و همواره با استعمار فرانسه در لبنان و سوریه مبارزه کرده (همان، ص ۶۹-۶۷؛ الریحانی، ۱۹۸۷: ب: ۱۳۱-۱۲۲) و در مقابل اشغالگری صهیونیسم غاصب و قضایای مربوط به اشغال فلسطین و نسل‌کشی مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، به موضع‌گیری‌های تندی دست زده است و ضمن مقاله‌ها، خطابه‌ها و نیز نامه‌های متعدد، عواقب چنین فجایعی را گوشزد و بر لزوم

مبارزه با آن تأکید می‌کرد. (الریحانی، ۱۹۷۸، ب: ۲۰۸-۲۰۵، ۳۶۵-۳۵۲) مجموعه چنین آرا و تفکراتی، شخصیتی از او ساخت که درعین ادیب‌بودن، هم یک مصلح متعهد باشد و هم رسولی که پیام‌آور صلح و عدالت و همبستگی میان همه ملل ستمدیده جهان است، رسولی که از یک سو روحانیت شرقی را به غرب و از سوی دیگر قدرت و تمدن غرب را به شرق منتقل کند؛ و اینها رسالتی بود که ریحانی تا آخرین روزهای حیات خود هرگز از آن فروگذار نکرد.

سرانجام، فشارهای عصبی ناشی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، ریحانی را به نوعی فلج مبتلا کرد که از ۱۹۰۷م. تا آخرین روزهای عمرش از آن رنج می‌برد، تا اینکه در سپتامبر ۱۹۴۰ میلادی، در زادگاهش چشم از جهان فرو بست. (منیف موسی و عدنان حسن، ۱۹۸۲)

۳. جلوه‌های مفاهیم قرآن در آثار ریحانی

از آنجا که ریحانی بیش از هر چیز مصلحی آزاداندیش است و هرگز اندیشه و قلم خود را در تنگنای جهل و تعصب محدود نمی‌کند، هر جا نشانی از انسانیت، ایمان، عدالت و سعادت می‌یابد، بی‌درنگ به سوی آن می‌شتابد تا از این رهگذر گامی در جهت اهداف بلند انسانی خود بردارد. در این صورت، بدیهی است که قرآن کریم، با تعالیم الهی و انسان سازش، از مهم‌ترین منابع فکری وی در این راه خطیر بوده باشد.

با مروری بر آثار ریحانی می‌توان به برخی از محورهای عمده فکری وی که به نوعی الهام گرفته از مضامین و مفاهیم متعالی کلام وحی بوده است، دست یافت.

۳-۱. تأکید بر اصل توحید به عنوان زیربنای وحدت فکری

توحید و ایمان به خداوند یکتا، از جمله مهم‌ترین اصول زیربنایی تفکر و اندیشه ریحانی است. علی‌رغم اینکه عده‌ای از ساده‌اندیشان و متعصبان به دلیل آزاداندیشی، او را به کفر و الحاد متهم کرده‌اند، وی در موارد متعدد به صراحت پرده از اعتقاد قلبی خود برمی‌دارد و به وحدانیت خداوند متعال اذعان می‌کند. ریحانی در یکی از آثار خود با عنوان وجوه شرقیه غربیه در بیان این مسئله چنین گفته است: «لادین لی اسما و رسما، و لکنی او من

بالله اینا اجمعین و بالاخاء البشری.» (امین‌الریحانی، ۱۹۵۷: ۱۰۰).
او در جای دیگر، از زبان یکی از شخصیت‌های داستانی‌اش (روباه) که رمزی از شخصیت خود ریحانی و آرا و افکار وی است، چنین نوشته است:

کونوا جسدا واحدا و روحا واحده کما دعیتم الی رجاء دعوتکم الواحد و للجمیع
رب واحد و ایمان واحد و أب واحد هو فوق الجمیع... (الریحانی، ۱۹۸۹ ب: ۵۰)

و یا در جای دیگر، از زبان همان شخصیت داستانی، اعتقاد به اقانیم ثلاثه را به صراحت رد و در عوض به الوهیت خداوند یکتا اذعان می‌کند:

انی أعتقد بآله واحد ذورأس واحد لا شریک له، خالق السموات و الأرض و
ضابط الكل... (همان، ص ۶۹)

بنابراین ریحانی، برخلاف آنچه مسیحیان بدان معتقدند، هرگز عیسی (ع) را به عنوان فرزند خداوند نمی‌پذیرد.

وی همچنین در یکی از مقالات خود، با عنوان «انی متحزب»، با صراحت کامل بیان می‌کند که تمامی تأثیر کلامش را در راه توحید به کار خواهد بست:

و اذا کان لکلمتی الصریحه شیء من التأثير فجل ما أبغیه أن یکون ذلک فی سبیل التوحید
بل فی سبیل القوه الکامنه فی التوحید. (الریحانی، ۱۹۸۷ ب: ۲۰۶)

ریحانی اعتقاد به خداوند یکتا را زمینه‌ساز ایجاد اتحاد میان ابنای بشر و لذا کلمه توحید را رمز دستیابی به وحدت کلمه می‌داند. از این رو در موارد گوناگونی بر این اصل بنیادین و سرنوشت‌ساز تأکید می‌کند و از این طریق می‌کوشد زمینه را برای رسیدن جامعه بشری به اتحادی همه‌جانبه و به دنبال آن پیروزی کامل بر ظلم ظالمان و جور جائران فراهم سازد. او در یکی از مقالات خود با عنوان «فی الیاس» چنین نوشته است:

فی السماء رب واحد و إن تعددت أسماؤه و علی الأرض ناموسه، مظاهر تتجسم کل-
جیل فی أفراد من الناس، فینرون جاده من جادات الروح، ویفتحون للشعوب بابا من

أبواب الخلاص. (الريحاني، ۱۹۸۷ الف: ۳۰۳)

ريحانی باچنین رویکردی، یکی از مسلمات دیانت مسیحی را صراحتاً نفی می‌کند و با استمداد از کلام وحی، استدلال زیبا و محکم قرآن کریم را در این زمینه چنین بیان می‌دارد:

فلو كان للرب عز و جل ثلاثة أقانيم لكان النزاع بينهم سائدا أبداً و لما تمکن من تكوين هذا العالم العجيب، فهل لمملكة على الأرض ثلاثة ملوك، أم لجمعية ثلاثة رؤساء؟ (الريحاني، ۱۹۸۹ ب: ۴۵-۴۴)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، ریحانی در نفی اقانیم ثلاثة، از آیه ۲۳ سوره انبیا استمداد کرده است: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَاُ اللَّهِ وَلَقَسَدْنَا...».

۲-۳. تأکید بر ایجاد تساهل دینی در سایه اعتقاد به اصل وحدت ادیان

یکی از مهم‌ترین اصول زیربنایی تفکر و اندیشه ریحانی، اعتقاد به اصل وحدت ادیان است. وی در موارد متعدد به وضوح و آشکارا بر این اصل صحه می‌گذارد و بنابر چنین اندیشه‌ای، بر ایجاد تساهل دینی میان پیروان ادیان گوناگون و به ویژه پیروان دو دین برجسته الهی - یعنی اسلام و مسیحیت - بسیار تأکید می‌کند. از نظر او، همان گونه که خداوند جهان، یکتا است، همه ادیان الهی نیز در زمینه اصول و مبانی فکری و زمینه‌های دعوت بشر، وحدت و همسویی دارند؛ چنان که قرآن کریم نیز در موارد متعدد ضمن تأکید بر وحدانیت خالق هستی، همه انسان‌ها را همچون پیکره‌ای واحد قلمداد می‌کند (بقره/ ۱۳۶، ۲۱۳؛ نساء/ ۱، ۱۵۲؛ آل عمران/ ۸۴، ۱۰۳؛ یونس/ ۱۹؛ هود/ ۱۱۸؛ انبیاء/ ۹۹؛ مؤمنون/ ۵۲؛ لقمان/ ۲۸).

وی در یکی از مقالات خود با عنوان «الإنسان والدين» که آن را در سال ۱۹۲۶ در پاسخ به نامه یکی از دوستانش نگاشته، چنین آورده است:

إن الأنبياء والرسل متفقون في ما هو الدين. فلا خلاف بين بوذه والمسيح او بين محمد و زردشت في غير الجزئيات غير الجوهرية و ما للمسيحية والاسلام والبوذية

سوی أثواب مختلفه لعقیده واحده فی الجواهر والأثواب لاتهمّنی و لایجوز أن تهم
أحدا من الناس. (الریحانی، ۱۹۸۷ الف: ۲۸۰ - ۲۷۹)

همچنین دریکی از نامه‌هایش که آن را خطاب به بشاره عبدالله‌الخوری، الاخطل‌الصغیر،
نگاشته، ضرورت ایجاد وحدت میان مسلمانان و مسیحیان را بیان کرده و چنین نوشته است:

عندی ان التزواج بین الطائفتین الیوم [یعنی الاسلام والمسیحیه] لمن أهمّ شروط
إصلاحنا ورتقنا. والتساهل الدینی الإجتماعی ألدی ینشأ فی بیت مؤلف من هذین
العنصرین هو الدواء الوحید لكل آفاتنا الدینیة و الإجتماعیة بل هو إکسیر
حیاتنا الجدیده. (الریحانی، ۱۹۹۱: ۱۴۸)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ریحانی ریشه بسیاری از مشکلات دینی و اجتماعی را که
انسان امروز بدان مبتلا شده است، در جهل و ناآگاهی از اصول مشترک میان ادیان
گوناگون می‌داند که سبب ایجاد تعصب در میان پیروان این ادیان می‌شود و زمینه ایجاد
تفرقه و تشتت را در جامعه بشری فراهم می‌کند و راه را برای سودجویی طمع‌ورزان و
استعمارگران هموار می‌سازد.
او همچنین در یکی از اشعار منشور خود تحت عنوان «حجاره باریس» که آن را در سال
۱۹۲۵ در زادگاهش «فریکه» سروده، چنین نوشته است:

ولیس غیر الجهل من عدو
الجهل هنا و هناک عدونا یا باریس
أنظری واحکمی و نفذی، ولا تترددی
قولی للدروز و للعلویین وللمسیحیین و للمسلمین
الدین لله، والوطن للجميع (الریحانی، ۱۹۸۹ ج: ۱۸۴)

در جای دیگری نیز چنین آورده است:

الحقیقه الأزلّیه فی کل الأدیان واحده. الحقیقه تجمع والعقائد تفرق. (الریحانی، ۱۹۸۹
الف: ۲۴۵)

همچنین در یکی از مقالات خود با عنوان «ا» «حقیقت همه ادیان را حقیقتی واحد و ثابت برشمرده و معتقد است که تضارب آرا هرگز دلیلی بر تعدد حقیقت نخواهد بود. از نظر او، این حقیقت واحد و ثابت، همان ذات بی‌همتای الهی است که همه ادیان الهی بشر را به سوی آن رهنمون می‌شوند. (الریحانی، ۱۹۸۷ الف: ۳۵۹)

ریحانی، علاوه بر اینها، در سخنرانی خود با عنوان «التساهل الديني» که آن را در سال ۱۹۰۰ در نیویورک ایراد کرده، به دفعات بر لزوم ایجاد وحدت میان ادیان و نفی تفرقه و جدایی‌انگیزی بشر از یکدیگر اشاره و این مسئله را کلید حل بسیاری از مشکلات موجود در جهان قلمداد کرده است:

الله لا يفضل أمة ولا طائفة على أخرى. الله لا يصف له في الأرض شعبا خاصا... و
ما الدين التوحيدى إلا دين واحد فكلنا نتحد بالرب و كلنا نعبد إلهها واحدا... و
لتجمعنا الوطنيه إذا فرقنا الدين والله لا يريد التفریق... و التساهل هو الطريق الوحيد
الذى من تحته تجرى الأنهار وعن يمينه ويساره الأشجار... (همان، صص ۳۹-۴۵؛ نیز خلیل
جی، ۲۰۰۲: ۱۵۶-۱۴۶)

ریحانی در وصیت خود هم این امر خطیر را فراموش نمی‌کند و همچنان جهانیان را به وحدت فرا می‌خواند:

إني من الموحدين، و إن في مرآة توحيدى لتنعكس وجوه الأنبياء والرسل أجمعين
— كنفوشيوس و بوذا و زرادشت و سقراط و موسى و يسوع و محمد(ص) و... إنهم
كلهم لمن ينبوع واحد، و إن وجوههم كلها لتتآلف و تتمازج ثم تنعكس وجها
واحدا هو الرمز الأقدس لوجه الله. (الدسوقي، ۲۰۰۴: ۳۸۳)

اندیشه مصلحانه و روح آزاداندیشی ریحانی که از روزگار جوانی دغدغه‌های فراوانی برای وی ایجاد کرده بود، بعد از مسلح شدن به سلاح معرفت و آگاهی سبب شد هرگونه محافظه‌کاری را در زمینه رسیدن به اهدافش کنار بگذارد و عقاید خود را به صراحت ابراز کند. همین مسئله سبب شد آتش کینه و خشم بسیاری از متعصبان دینی در لبنان برافروخته

شود تا جایی که برخی سران مذهبی وی را به کفر و الحاد متهم و سپس به حبس و عزلت محکوم کردند. (شراره، ۱۹۸۴: ۱۳۷-۱۳۶)

۳-۳. دعوت به جهاد و مبارزه در راه حق و تأکید بر ثبات و پایداری

از دیگر محورهای مهم فکری ریحانی که در آن از تعالیم قرآن کریم متأثر شده، دعوت به مبارزه و جهاد در راه حق و حقیقت و نیز ضرورت پایداری و ثبات در این راه خطیر است. در قرآن کریم، در موارد بسیار زیاد، مسلمانان به جهاد با دشمنان خدا و رسولش و نیز رعایت صبر و پایداری در این راه دشوار دعوت شده‌اند. (بقره/ ۲۱۸؛ توبه/ ۱۹؛ آل عمران/ ۱۴۲؛ انفال/ ۷۲، ۷۴، ۷۵؛ توبه/ ۲۰، ۸۸؛ نمل/ ۱۱۰؛ عنکبوت/ ۶۹؛ تحریم/ ۹؛ فرقان/ ۵۲؛ مائده/ ۳۵؛ حج/ ۷۸؛ ممتحنه/ ۱؛ نساء/ ۹۵؛ صف/ ۱۱)

ریحانی ضمن برخورداری از روحیه‌ای اصلاح طلبانه و نیز آشنایی با تعالیم انسان‌ساز و راهگشای قرآن کریم در راه رسیدن به خیر و صلاح، از این اصل مهم غافل نبوده و در بسیاری از آثار و اشعار خود بسیار بر آن تأکید کرده است. او در نوشته‌های خود، گاهی با لفظ «ثوره» و گاهی با لفظ «جهاد»، ابنای بشر را به مبارزه و قیام علیه ظلم و تباهی فرا می‌خواند. انقلابی که ریحانی بدان دعوت می‌کرده، انقلابی اخلاقی، فکری و دینی است. وی معتقد است انقلاب به مفهوم واقعی آن، ابتدا از ذات انسان آغاز می‌شود و بعد از آن، تمامی جامعه - اعم از مردان و زنان و کودکان - را فرا می‌گیرد. از این رو، از دیدگاه وی، انقلابی که با اراده همه انسان‌ها و نیز با صبر و پایداری در راه حق محقق شود، می‌تواند جامعه انسانی را به سوی صلاح و آگاهی و عدالت سوق دهد. (منیف موسی و عدنان حسن، ۱۹۸۲: ۵۴-۴۹)

وی در مقاله‌ای با عنوان «الحریه و التهذیب»، ماهیت انقلابی را که بدان فرا می‌خواند، چنین بیان می‌کند: «کل انقلاب فی الحکومات لایصاحبه إنقلاب فی الأفكار والآراء لایرجی منه کبیر فائده». (الریحانی، ۱۹۸۷: ب: ۲۵)

و در جای دیگر، چنین نوشته است: «الثور ید الإنقلاب. روح الثوره ناموس النشوء والإرتقاء». (همان، ص ۷۸)

تأکید امین بر جهاد تاحدی است که آن را فلسفه حیات می‌داند: «لیست الحیا همسه

فی واد، او تغریده تعاد. انما الحیاء قو و جهاد، قو و جهاد!» (الریحانی، ۱۹۸۷ الف: ۴۵۲) و همچنین در مقاله‌ای با عنوان «الرسول الاسمی»، از زبان فرستاده خدا بر زمین چنین نقل می‌کند:

إنه الرسول الأسمى إلینا جمیعا، فلنستمع إليه:

کن مغامرا، جسورا، أیبا

فإن الله یحب المغامرین، الجسورین، الأبا

وکن مجاهدا، مثابرا، و فی الحق عتبا،

لأن الله یحب المجاهدین، المثابرین، العتاه. (همان، ص ۴۶۲)

ریحانی به ویژه در اشعار منثور خود در موارد بسیار زیاد بر اصل جهاد و مبارزه دعوت می‌کند. برای نمونه، در قطعه‌ای با عنوان «النسر العربی» چنین می‌سراید:

و أمانک أعلامٌ والجهاد

سمع النسر و وعی، فراح یغدی الأمانی

و یستنهنز الهمم

یُجاهد فی سبیل قومہ

إمتشق الحسام باسم الله، و باسم العرب

الثور، الثور. (الریحانی، ۱۹۸۹ ج: ۲۰۳)

وی همچنین انقلاب را ضرورتی تاریخی می‌داند که همه امت‌ها در مراحل از تاریخ خود از آن ناگزیرند؛ از این رو، چنین پدیده‌ای را از سنن الهی برشمرده و وقوعش را حتمی و قطعی دانسته است. در نتیجه، بر ظالمان و منافقان بانگ هشدار برمی‌آورد: «الثوره ضروره تاریخیه، الثوره الله مجسده فی الأشياء، و یل للمناقین والطغاه من ثور الجماعات». (الریحانی، ۱۹۸۹ الف: ۲۴۲ - ۲۴۱)

۴. جلوه‌های تعابیر قرآن در آثار ریحانی

تأثیر معجزه آسا و شگفت‌انگیز کلام وحی از همان ابتدای نزول بر قلب‌های سخت

مشرکان چنان بود که سبب شد، عده زیادی از آنان دلباخته نوای ملکوتی آن شود و دل هایشان به سوی حق و حقیقت متمایل شود. جلوه های بلاغی و اسلوب‌های فنی قرآن آن چنان اعراب را مسحور و مقهور کرد که بی‌اختیار بر تفوق بی‌چون و چرای آن بر هر آنچه که تا کنون بدان مفتخر بودند، معترف شدند.

قرآن کریم با به‌کارگیری اسلوب‌های خاص بیانی و نیز شیوه‌های متناسب تفسیری و به‌ویژه استفاده از شیوه تصویرگری در بیان حقایق، تأثیر کلام الهی را در حد نهایت قرار داده (سیدقطب، ۲۰۰۲) و این چنین است که بعد از گذشت حدود چهارده قرن، قرآن کریم همچنان در اوج بلندترین قله‌های فصاحت و بلاغت جای دارد.

وجود ویژگی‌هایی خاص در شیوه‌های بیان قرآن و نیز به‌کارگیری اسلوب‌های تعبیری منحصر به فردی که موجب تأثیر هر چه بیشتر بر روح و جان مخاطب می‌شود، سبب شده است بسیاری از نویسندگان و شاعران همچنان به قرآن به‌عنوان نمونه‌ای عالی تأسی کنند.

در میان این عده، تأثیرپذیری و الگوبرداری امین‌الریحانی - به‌عنوان یکی از نویسندگان مسیحی - از تعابیر و الفاظ قرآن کریم، گواه روشنی بر این مدعا است. ریحانی در اغلب آثار خود، اعم از شعر و نثر، به شیوه‌های گوناگون از الفاظ و تعابیر زیبای قرآن استفاده کرده است. برای نمونه، او در مقاله‌ای با عنوان «الحریه و التهذیب»، کلام خود را با این آیه از قرآن کریم آغاز می‌کند «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵)؛ و سپس کلام خود را چنین ادامه می‌دهد: «أَيُّهَا الْوَطَنِيُّونَ، أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ وَأَنْتُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْوَارِثُونَ وَ يَشْهَدُ عَلَى ذَلِكِ نِيرَ مَا ضَيْكُم وَ حَرِيه حَاضِرِكُمْ». (الریحانی، ۱۹۸۷، ب: ۲۳)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ریحانی با اشاره به آیه قرآنی در ابتدای کلام خود و به‌دنبال آن بابه‌کارگیری تعابیری از این آیه (المستضعفون فی الأرض و الوارثین)، سعی می‌کند بر تأثیر کلام خود بر هموطنانشان بیفزاید؛ هموطنانی که به‌سبب ظلم و جور حاکمان مستبد، سال‌ها مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. همچنین، با الهام از این آیه، روزهای روشنی را به آنها نوید می‌دهد؛ روزهایی که همه مستضعفان عالم، وارثان حقیقی زمین خواهند شد. وی همچنین در بیان ماهیت آزادی خویش چنین می‌گوید:

إِنَّ حَرِيَّتِي مِنْ اللَّهِ فَإِذَا فَقَدْتَهَا فَأَنَا الْمَسْئُولُ. إِنَّهَا لِيدُ هَائِلَةٍ تَلِكُ الَّتِي تَحِلُّ الْخَيْطُ
الْأَبْيَضُ مِنَ النَّفْسِ فَيَبْدُو مَا فِيهَا مِنَ الْخَيْطِ السُّودِ وَأَتَقْتَلُ الْأَسْوَدَ فَتَقْطَعُ مَا فِيهِ مِنْ -
الْحَرِيرِ الْأَبْيَضِ. (الريحاني، ۱۹۸۹ الف: ۲۳۲)

همان گونه که مشاهده می‌شود، ریحانی با مهارت و ظرافتی هنرمندانه، از برخی عبارات
آیه ۱۸۴ سوره بقره در کلام خود استفاده کرده است: «... وَكُلُّوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ
الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...». از دیگر معتقدات ریحانی که در موارد بسیار زبان به بیان آن گشوده، اعتقاد به معاد
است؛ و چه تعبیری زیباتر از کلام الهی در بیان این اصل، آنجا که می‌فرماید «... إنا لله وإنا
إليه راجعون» (بقره / ۱۵۲). ریحانی در مقاله‌ای با عنوان «فی العزله» در سال ۱۹۰۸، در
وصف لحظه‌های تنهایی و عزلت و پناه‌بردن به دامن طبیعت از هیاهوی ابنای بشر چنین
نگاشته است:

... صعدت إلى الجبل ... و أقمت هناك زمنا في ظلال الصنوبر و لم يدر أحد،
فاضجعت على العشب و رأسي في ظل وزاله زاهره — إنا للطبيعة و إنا إليها راجعون
— و شكرت الله جزيلا و وددت لو يكون بيني و بين المدينة أضعاف ما بيني و بينها
من الوهاد والجبال والبحار. (الريحاني، ۱۹۸۷ الف: ۱۲۸)

شایان ذکر است که از دیدگاه ریحانی طبیعت تجلیگاه ذات اقدس الهی است. از دید
وی، خداوند در واقع همان روح هستی است که پیوسته در طبیعت جاری است و به آن
هستی و نشاط می‌بخشد. از این رهگذر، ریحانی همواره به نوعی پیوند میان انسان و طبیعت
معتقد بوده، در نتیجه بازگشت به طبیعت در کلام امین، همان بازگشت به مبدأ هستی است.
در این باره می‌توان به موارد متعددی در آثار وی اشاره کرد؛ که به دلیل محدودیت
مجال این نگارش، تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:
در جایی، از آیات ۲۲۴-۲۲۵ سوره شعراء (وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ
وَادٍ يَهِيمُونَ) استفاده کرده و نوشته است:

... ولكنني من الذين يتبعون، من هم في كلِّ وادٍ يهيمون - و في كل سماء. أجل

إِنِّي مُؤْمِنٌ بِمَا يَقُولُهُ الشُّعْرَاءُ وَالْعُلَمَاءُ. (همان، ص ۳۱۳)

ریحانی همچنین در یکی از مقالات کوتاه خود با عنوان «فی التفاؤل»، از آیه ۵۳ سوره یوسف (وَ مَا أَتْرَىٰ نَفْسِي إِلَّا النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ...) بدین صورت استفاده کرده است: «يقول المتشائمون إن النفس أمار بالسوء فمن الحق أن نقول وبالخير كذلك». (الریحانی، ۱۹۸۹ الف : ۲۳۷)

الگوبرداری ریحانی از تعابیر قرآنی، فقط به دامنه آثار نثری وی محدود نمی‌شود بلکه اشعار وی را نیز تا حد زیادی دربر می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های برجسته و بارز در اشعار مثنوی ریحانی، غلبه عنصر دین‌گرایی است (روشنفکر و نعمتی قزوینی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). ریحانی در اکثر اشعار خود، به‌طور گسترده از مفاهیم و اصطلاحات دینی استفاده کرده است. نکته قابل توجه در این مورد این است که ریحانی علی‌رغم مسیحی‌بودن، از مفاهیم و اصطلاحات اسلامی و حتی مربوط به تاریخ اسلام نیز استفاده زیادی کرده است، که برای نمونه می‌توان به اشعاری با عناوین «الثوره» (الریحانی، ۱۹۸۹ ج: ۹۲)، «هتاف الأودیة» (همان، ص ۱۰۵)، «معبدی فی الوادی» (همان، ۱۱۳)، «أنا الشرق» (همان، ص ۱۵۲)، «حجاره باریس» (همان، ص ۱۸۲)، «إلی جبران» (همان، ص ۱۸۸)، «النسر العربی» (همان، ص ۲۰۱)، «ذکری الزعیم الشَّهید» (همان، ص ۲۰۸) اشاره کرد.

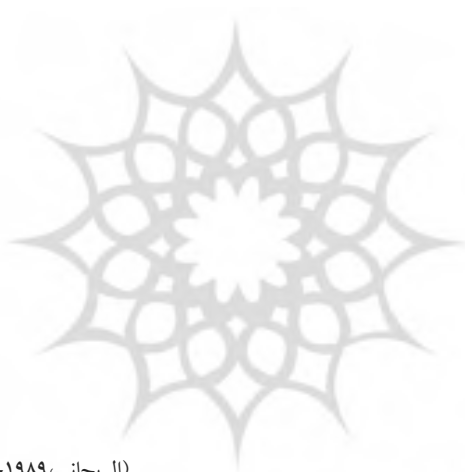
استفاده از مفاهیمی چون: «معاد» (همان، «عند مهد الربیع»، ص ۱۰۲ و «هتاف الأودیة»، ص ۱۰۷)، «سلسبیل» (همان، «معبدی فی الوادی»، ص ۱۱۴)، بیت‌الله (همان)، «لاهوت» (همان)، «محراب» (همان)، «شهداء» (همان)، «ذکری الزعیم الشَّهید»، ص ۲۱۱؛ «معبدی فی الوادی»، ص ۱۱۵؛ «حجاره بارس»، ص ۱۸۲، «لیبک اللهم لیبک» (همان، «أنا الشرق» ص ۱۵۵)، «عرش‌الله» (همان)، «جهاد اکبر» (همان، «إلی جبران»، ص ۱۹۳)، «حیو اعلی الفلاح» (همان، «البعث»، ص ۲۰۰)، «عاصمة الرسول» (همان، ص ۲۰۲)، «عاصمة الخلفه» (همان)، «کهف» (همان، ص ۲۰۳)، «رشید» (همان، ص ۲۰۴؛ «دجله»، ص ۱۶۲)، «مأمون» (البعث)، ص ۲۰۴؛ «دجله»، ص ۱۶۲، «معاویه» (البعث)، ص ۲۰۵، ... در این اشعار، می‌تواند به‌خوبی مؤید آگاهی و تأثیرپذیری ریحانی از اسلام و تعالیم آن باشد.

غیر از تأثیر از دین مبین اسلام و تعالیم آن به‌طور کلی، اثرپذیری ریحانی از قرآن کریم

چه به شیوه مستقیم یعنی اقتباس از برخی آیات و چه به شیوه غیرمستقیم یعنی اثرپذیری محتوایی و نیز تأثیر از اسلوب موزون و مسجع قرآنی، یکی از ویژگی‌های برجسته اشعار منشور او است. (نعمتی قزوینی، ۱۳۸۵: ۹۴)

برای نمونه، این ویژگی در یکی از این اشعار با عنوان «الثور» به خوبی آشکار است:





(الریحانی، ۱۹۸۹، ج: ۹۴-۹۳)

مشاهده می‌شود که شاعر در فضایی حماسی، شاهد و مناظری را توصیف می‌کند که دریایی از شور و هیجان و التهاب در آن موج می‌زند. او روزی را به تصویر می‌کشد که دینداران مستضعف به پا خواهند خاست؛ روزی که همه انسان‌ها اعم از زن و مرد و پیر و جوان دست به دست هم، همگام و همصدا بر ظلم ظالمان و جور جائران خواهند خروشید، روزی که ستمکاران عالم همگی به عذاب و هلاک محکوم خواهند شد و از آن گریزی نخواهند داشت. آری؛ آن روز، روز درهم شکستن تاج و تخت سلاطین جور در جهان است و موعد پیروزی مظلومان و مستضعفان عالم.

با چنین تصاویر زنده و پویایی، ریحانی به خوبی توانسته است روح بیداری و جهاد را در کالبد بی‌روح انسان‌هایی بدمد که دیرزمانی است در بند ظلم و تباهی گرفتار و دچار جمود و رخوت شده‌اند. همچنین، با استفاده از واژگانی انگیزنده و تأثیرگذار و نیز تکرار عبارت «ویل یومئذ للظالمین» در میان بخش‌های مختلف این قطعه شعری، شاعر توانسته است جو موسیقایی مناسبی برای چنین فضای حماسی فراهم و بار معنایی مضاعفی را به ذهن مخاطب القا کند.

همچنان ملاحظه می‌شود، عبارت «ویل یومئذ للظالمین» برگرفته از آیه ۱۱ سوره «طور» (فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ) است، که یازده مرتبه در این قطعه تکرار شده است. همچنین استفاده از تعبیر «یوم...» و نیز «یوم الدین» با الگوپذیری از سوره مبارکه «المعارج»، و یا تعابیری چون «أَنْذِرْهُمْ»، «أَغْلَالٌ»، «سَعِيرٌ»، «يَوْمٌ عَسِيرٌ» با اقتباس از سوره مبارکه «المدثر» و «... نَقِصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ...» از آیه سوم سوره «یوسف»، به خوبی گواه اثرپذیری ریحانی از اسلوب‌های بیانی و تعابیر زیبای قرآنی است.

۵. نتیجه‌گیری

نمونه‌هایی که در زمینه تأثیرپذیری ریحانی از قرآن کریم ارائه شد، تنها گوشه‌ای از موارد بسیار فراوان موجود در آثار او است؛ چرا که ارائه تمامی موارد بیش از آن است که در وسع این مجال بگنجد. چنین گرایشی بیش از هر چیز می‌تواند از آزاداندیشی این متفکر بزرگ برخاسته باشد؛ همچنان که در موارد بسیار زیاد، پیروان همه ادیان الهی را به چنین تفکری دعوت می‌کند و همین امر را کلید گشایش بسیاری از مشکلات انسان‌های مستضعف و دربند دنیای امروز می‌داند. اما آنچه در این میان در خور اهمیت شایان می‌نماید، فراوانی زمینه‌های تأسی ریحانی به عنوان ادیبی مسیحی از قرآن کریم است. ریحانی خود در مقاله‌ای با عنوان «الحکمة المثلثة»، صراحتاً به این امر اشاره می‌کند و چنین می‌گوید:

...و إني مسيحي في الإنجيل و مسلم في القرآن. أما إذ انبذني المسيحيون المسلمون،

فهاك رب الأمتين، رب العالمين، لا ينبذ أحداً من أبنائه. (الريحاني، ۱۹۸۷ الف : ۲۷۷)

چنین رویکردی، خود گواهی روشنی بر این حقیقت است که قرآن کریم بعد از

گذشت سالیان متمادی همچنان در رأس همه مذاهب و تفکرات هدایت بشری و نیز اسلوب‌های کلامی قرار دارد و برخلاف آنچه برخی می‌پندارند، چراغ فروزانی است که از ورای قرن‌ها همچنان روشن و تابناک فراراه بشر قرار دارد و در همه اعصار و زمان‌ها، پاسخگوی نیاز او به هدایت است.

منابع

قرآن کریم.

- خلیل حجا، میشل. ۲۰۰۲. *امین‌الریحانی، نصوص و آرا*. چاپ اول. بیروت: دار صادر.
- الدسوقی، منی حسین. ۲۰۰۴. *التطور و الإصلاح عند أمين الريحاني*. چاپ اول. بیروت: دارالشرق.
- روشنفکر، کبری؛ نعمتی قزوینی، معصومه. پاییز و زمستان ۱۳۸۶. «تحلیل ساختاری و محتوایی اشعار منثور امین‌الریحانی»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش ۶.
- الریحانی، امین. ۱۹۵۷. *وجوه شرقیه غریبه*. چاپ اول. بیروت: دار ریحانی.
- _____ . ۱۹۸۷ الف. *الریحانیات*. چاپ دهم. بیروت: دارالجلیل.
- _____ . ۱۹۸۷ ب. *قومیات*. چاپ هفتم. بیروت: دارالجلیل.
- _____ . ۱۹۸۹ الف. *بدور للزارعین*. چاپ چهارم. بیروت: دارالجلیل.
- _____ . ۱۹۸۹ ب. *المحالفه الثلاثیه*. چاپ چهارم. بیروت: دارالجلیل.
- _____ . ۱۹۸۹ ج. *هتاف الادویه*. چاپ چهارم. بیروت: دارالجلیل.
- _____ . ۱۹۹۱. *الرسائل*. چاپ هفتم. بیروت: دارالجلیل.
- سیدقطب. ۲۰۰۲. *التصویر الفنی فی القرآن*. چاپ شانزدهم. قاهره: دارالشرق.
- شراره، عبداللطیف. ۱۹۸۴. *معارک ادبیه قدیمه و معاصره*. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملأین.
- منیف موسی و عدنان حسن. ۱۹۸۲. *امین‌الریحانی فی حیاته و فکره و ادبه*. چاپ اول. بیروت: دارالمشرق العربی الکبیر.
- نعمتی قزوینی، معصومه. شهریور ۱۳۸۵. *شعر منثور در ادبیات معاصر عربی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.